

:: به نام بی نام او ::

مقدمه

علم النفس، شاید سهل و ممتنع‌ترین درس در بین مجموعه دروس روان‌شناسی در کنکور سراسری کارشناسی ارشد روان‌شناسی باشد. کم حجم‌ترین درس که به واسطه مباحث خاص و ویژه‌ای که دارد، مطالعه مطالب آن و همچنین تسلط روی آن‌ها گاهی اوقات کار را برای داوطلبان دشوار می‌کند. سال‌هاست دو منبع اصلی برای پاسخ‌دهی به سوالات این درس در کنکورها وجود دارد که آن دو منبع چیزی جز کتاب دکتر احدی و بنی جمالی و همچنین کتاب دکتر اصغر احمدی نیست. در کنار این دو منبع اصلی، مطالب دیگری هم هستند که برای پاسخ‌دهی به آنها باید از سایر منابع استفاده کنیم. جزوه علم النفس کیهان با جمع‌آوری مطالب عمده منابع اصلی در کمترین حجم با نثری روان، در سال‌های گذشته به عنوان منبعی مطمئن مورد استفاده داوطلبان کنکور ارشد روان‌شناسی قرار گرفته است که امسال با آخرین به روز رسانی‌ها در دسترس داوطلبان خوب کنکور کارشناسی ارشد روان‌شناسی قرار دارد.

تغییرات آخرین ویرایش

علی‌رغم پاسخ‌دهی کافی به سوالات کنکور قبلی (در حد رتبه تک‌رقعی)، بازخوردهای کیهانی‌های عزیز نشان داد جزوه علم النفس می‌تواند به لحاظ روان بودن و شیوایی متن، باز هم بهتر شود. از این رو همکار گرامی سرکار خانم سحر احسانی، دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه تهران و خانم الهه مولایی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی لطف کردند و یک دور کامل به بازبینی جملات این مجموعه پرداختند تا مطالب هرچه بیشتر برای شما دوستان قابل فهم باشد. در آخرین ویرایش این جزوه، برخی اصلاحات طبق کنکور سال اخیر در متن صورت گرفته است.

با اطمینان مطالعه کنید

برای آنکه این مجموعه را با اطمینان مطالعه کنید، به موارد زیر توجه نمایید:

۱. گزارشی که بلافاصله پس از کنکور تهیه شد، نشان داد که این مجموعه به تنهایی به ۱۰۰ درصد از سوالات آخرین کنکور کارشناسی ارشد را پاسخ داده است. در حالی که درصد رتبه‌های تک‌رقعی کنکور در این درس در کنکور ارشد به طور میانگین چیزی حدود ۶۵ درصد است. گزارش عینی و شفاف این بررسی را در وبسایت کیهان مطالعه نمایید.
۲. این مجموعه رتبه‌های برتر روان‌شناسی دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی تهیه و ویرایش کرده‌اند. از جمله خانم قنبرزاده رتبه ۶ و خانم احسانی رتبه ۷ روان‌شناسی و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، خانم مولایی رتبه ۶ بالینی.
۳. این مجموعه، در سال‌های گذشته منبع اصلی مطالعاتی رتبه‌های برتر کنکور کارشناسی ارشد روان‌شناسی بوده است. از جمله خانم سمانه ابراهیم نژاد رتبه ۷، آقای امیر همایون حلاجیان رتبه ۲، خانم زهرا دایی رتبه ۶، خانم زینب نکومنشی نژاد رتبه ۱۵ و خانم نرگس السادات سلیمی رتبه ۱۶ کنکورهای ارشد ۹۳ تا کنکور اخیر. می‌توانید **مصاحبه** این دوستان را در وبسایت کیهان بخوانید.
۴. این مجموعه در کنار دیگر مجموعه‌های کیهان، با دقت بسیار زیادی تهیه شده و متناسب با سوالات آخرین کنکور مورد بازبینی قرار گرفته است و برای کنکور آینده کاملاً به روز رسانی شده است.

در پایان ضمن دعوت از همه شما دوستان به استفاده از روش مطالعه علمی و دقیق و همچنین به کارگیری یک برنامه‌ریزی صحیح و قابل اطمینان برای رسیدن به هدفی شایسته، آمادگی خود را برای شنیدن نظرات و پیشنهادات ارزشمند شما عزیزان برای هرچه بهتر کردن مجموعه‌هایی که متعلق به همه شماست، اعلام می‌کنیم.

"با آرزوی توفیق برای همه شما عزیزان"

گروه مشاوران کیهان

مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره کیهان

به ما عطا کن

توانی؛

برای تغییر دادن آنچه که می‌توانیم تغییر دهیم

ظرفیتی؛

برای پذیرفتن آنچه که از کنترل ما خارج است

و

بینشی؛

برای درک تمایز میان این دو

:. آشنایی با مجموعه کیهان :.

درباره کیهان

- گروه آموزشی کیهان متشکل از تعدادی از رتبه‌های برتر روان‌شناسی و مشاوره ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران، شهیدبهبختی، علامه و ... است که صرفاً در زمینه کنکور ارشد و دکتری مجموعه روانشناسی و مشاوره فعالیت دارد.
- فعالیت‌های کیهان شامل ارائه خدمات مشاوره و برنامه‌ریزی، مجموعه جزوات قابل اطمینان، فیلم‌های آموزشی با اساتید برتر روان‌شناسی، ارائه خدمات روانشناختی به دانشجویان و برگزاری کلاس‌های آموزشی با کیفیت است.
- گروه آموزشی کیهان تحت نظارت مستقیم مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره کیهان فعالیت می‌کند.
- کیهان در هیچ کجای کشور شعبه‌ای ندارد و تمام خدمات و محصولات آن فقط از خود مرکز کیهان به شیوه اینترنتی، تلفنی و حضوری قابل دریافت است.
- به لطف به کارگیری از روش‌های علمی مشاوره و برنامه‌ریزی و همچنین جزوات قابل اطمینان، هر ساله تعداد قابل توجهی از رتبه‌های زیر ۱۰۰ کنکور ارشد روان‌شناسی از میان کیهانی‌ها بوده‌اند. به طور مثال در سال ۹۷ خانم سمانه ابراهیم نژاد رتبه ۷، آقای امیر همایون حلاجیان رتبه ۲، در سال ۹۸ خانم فائزه قدمی رتبه ۱ و خانم الهه مولایی رتبه ۶، در سال ۹۹ خانم زهرا دایی رتبه ۶ و در سال ۱۴۰۰ خانم شقایق حاذقی رتبه ۳، خانم زینب نکومنشی نژاد رتبه ۱۵ و خانم نرگس السادات سلیلی رتبه ۱۶ به طور کامل کیهانی بوده‌اند.

درباره جلسات مشاوره کیهان

- جلسات به دو شکل رایگان (فقط یک بار در سال) و تخصصی (با یک مشاور به انتخاب فرد) برگزار می‌شود.
- جلسات به دو شکل تلفنی و حضوری و صرفاً اختصاصی (یک مشاور و یک دانشجو در هر جلسه) برگزار می‌شود.
- هر دانشجوی کیهانی یک پرونده مربوط به اطلاعات خود نزد مشاور اختصاصی‌اش دارد.
- در کیهان، مشاور هر رشته (روانشناسی-مشاوره)، الزاماً رتبه برتر همان رشته است و بر آن آزمون کاملاً مسلط است.
- روش‌های برنامه‌ریزی و مشاوره کیهان، از یافته‌های علمی و تجربی استخراج می‌شود و سپس در دپارتمان مشاوران تصویب می‌شود. اینجا از آزمون و خطا خبری نیست.
- کیهان از حضور چندین مشاور تخصصی (رتبه‌های برتر) بهره می‌برد که این قدرت انتخاب دانشجو را بالا می‌برد.
- کیهان برای داوطلبان کنکور پیش رو، دو طرح ویژه متفاوت با شرایط متفاوت ارائه کرده است.
- تمام جلسات مشاوره کیهان تحت نظارت سوپروایزرهای کیهان (آقایان فلاح و نیک منش) برگزار می‌شود.
- هزینه جلسات مشاوره در کیهان، مطابق نرخ مصوب عمومی است.

:. کیهان متعلق به شماست، پس برای ارتقاء روز به روز خدمات آن به ما بازخورد دهید :.

مروری کلی بر عوامل موفقیت در کنکور ارشد و دکتری روان‌شناسی

از نگاه رتبه‌های برتر کنکور، مشاوران کیهان

- هدف: تجربه ما نشان داده داوطلبانی که اهداف مشخص و محکمی ندارند، معمولاً در دنبال کردن آنها دچار مشکل شده و گاهی حتی به خط پایان نیز نمی‌رسند. پس پیشنهاد می‌کنیم اول از همه هدف‌تان را روشن کنید. چرا می‌خواهید ارشد روان‌شناسی شرکت کنید؟ چه رتبه‌ای را در این کنکور دنبال می‌کنید و چرا؟ حتماً می‌دانید که هدف باید SMART باشد. پس برای ۵ سال و یک سال آینده‌تان هدف‌گذاری SMART کنید. هدف‌گذاری SMART یعنی هدف‌گذاری که مشخص (Specific)، قابل اندازه‌گیری (Measurable)، قابل دستیابی (Attainable)، واقع بینانه (Realistic) و دارای محدوده زمانی مشخص (Time-bounded) باشد. در این راه یک دفتر برنامه‌ریزی + یک مشاور آگاه و متخصص می‌تواند به شما کمک زیادی در هدف‌گذاری صحیح ارائه دهد.
- برنامه‌ریزی: برای رسیدن به هدف‌تان برنامه‌ریزی کنید. یک برنامه‌ریزی صحیح نه خیلی سنگین است که زود شما را خسته کند، نه خیلی سبک که شما را به هدف‌تان نرساند. بدانید از کجا باید شروع کنید. با کدام کتاب‌ها، کلاً چه منابعی را می‌خواهید مطالعه کنید، آماده خلاصه برداری هستید؟ یا می‌خواهید از خلاصه دیگران استفاده کنید؟ کدام خلاصه بیشتر جواب داده و به نسبت هزینه‌ای که می‌کنید، منفعت بیشتری را برای شما می‌آورد؟ اینجا از یک کاربلد، کسی که تازه در کنکور رشته شما شرکت کرده (کنکور سراسری ارشد روان‌شناسی بالینی یا عمومی) و رتبه عالی هم کسب کرده (زیر ۵۰)، اطلاعات لازم را بگیرید. ببینید می‌خواهید اول کدام درس‌ها را در چه بازه زمانی جمع کنید و بعد کدام درس‌ها را. زمان مناسب برای شروع تست‌زنی چه موقع است؟ از چه ابزارهای دیگری می‌خواهید استفاده کنید و ... ابتدا مسیر رسیدن به هدف را به اندازه کافی برای خود روشن کنید. طرح‌های مشاوره‌ای مختلف کیهان را نیز مد نظرتان داشته باشید.
- آمادگی ذهنی: حالا که وقت عمل کردن فرا رسیده، ذهنتان را از همه شکست‌ها و تلخی‌های گذشته رها کنید. نگرانی‌ها را دور بریزید و فقط به هدف‌تان و میزان تلاشی که برای عملی کردن برنامه‌تان به نحو احسن، لازم دارید فکر کنید. به این‌که موفقیت در این پروژه (کنکور کارشناسی ارشد یا دکتری) چه تأثیرات مثبتی در زندگی‌تان دارد و سایر نکات مثبت فکر کنید.
- ابزارهای کل‌آمد: منظور، داشتن یک سری ابزار برای مقابله با خستگی، ناامیدی، و سایر موانع بیرونی و درونی برای رسیدن به هدف‌تان است. روش مطالعه صحیح را بدانید (در انتهای جزوات مطرح شده و در صورت نیاز مشاوران نیز به شما آموزش می‌دهند). با روش‌های مدیریت استرس و تمرکز آشنا باشید. بدانید چه زمان باید مرور کنید تا مطالب از ذهنتان نرود.
- مطالعات منسجم: رشته ما منابع زیادی دارد. در صورتی که از همین مجموعه جزوات کیهان استفاده می‌کنید، هیچ جای نگرانی نیست. اما باز جهت تأکید عرض می‌کنیم که از مطالعه منابع پراکنده پرهیز کنید. مطالعه منسجم یکی دو منبع خیلی بهتر از مطالعه پراکنده ۶-۷ منبع است. به مسیرتان اعتماد کنید.
- نظرت و ارزیابی: مدام خودتان، منابع‌تان و دانشی را که اندوخته‌اید، بررسی و ارزیابی کنید. ببینید در جهت درستی حرکت می‌کنید؟ یا نیاز به تغییر روش کار در برخی موارد دارید؟ در صورت نیاز، برای این کار از یک راه‌بلد کمک بگیرید.

فهرست

صفحه	عنوان
۲	مقدمه
۴	فصل اول: انسان در قرآن
۱۴	فصل دوم: کندی
۲۰	فصل سوم: فارابی
۳۱	فصل چهارم: ابن سینا
۴۹	فصل پنجم: غزالی
۵۷	فصل ششم: سهروردی
۶۳	فصل هفتم: ملاصدرا
۷۳	فصل هشتم: محی الدین عربی یا ابن عربی
۷۶	فصل نهم: مولانا و شمس تبریزی
۷۸	فصل دهم: خواجه نصیرالدین طوسی
۸۰	فصل یازدهم: نظریه‌های جدید در روانشناسی
۸۳	فصل دوازدهم: هوش و عقل
۱۰۱	فصل سیزدهم: شخصیت
۱۰۶	فصل چهاردهم: غریزه و فطرت
۱۱۷	فصل پانزدهم: نفس و خودآگاهی
۱۲۲	فصل شانزدهم: سلامت روانی و نابهنجاری
۱۲۶	سوالات درس علم‌النفس در کنکور ۱۴۰۱
۱۲۸	پاسخ سوالات درس علم‌النفس در کنکور ۱۴۰۱
۱۳۱	منابع
۱۳۲	مطالعه بیشتر برای حداکثر تسلط

مقدمه

اگر علم‌النفس به عنوان روان‌شناسی (**philosophical psychology**) تلقی شود، بیش از دو هزار سال از عمر آن سپری می‌شود. ویژگی بارز علم‌النفس یا روان‌شناسی فلسفی، کاربردی‌ترین روش تعقالات نظری و قیاسی برای بررسی و کندوکاو پیرامون مسائلی هم‌چون وجود، ماهیت، علت، تجرد و دیگر احوال نفس است.

ارسطو نخستین فیلسوفی است که با تقسیم‌بندی فلسفه به فلسفه نظری (طبیعیات، ریاضیات، الهیات) و فلسفه عملی (اخلاقیات، منزلت، سیاست) و الحاق و قرار دادن علم‌النفس در قالب علوم طبیعی هشت‌گانه جایگاه و مرتبه علمی این علم را مشخص ساخت و همین‌طور ارسطو برای اولین بار توانست تعریف مشخصی از نفس ارائه کند. طبقه‌بندی و جای‌دهی علم‌النفس در طبیعیات، راه را برای مشاهدات تجربی در این علم گشوده است. بیشتر دانشمندان مسلمان نیز مانند ابن‌سینا و فارابی از تقسیم‌بندی ارسطو تبعیت کرده‌اند و علم‌النفس را جزء طبیعیات می‌دانند.

روان‌شناسی فلسفی (علم‌النفس) و روان‌شناسی معاصر در "موضوع روان‌شناسی" با یکدیگر اختلاف ریشه‌ای دارند. در علم‌النفس، بحث و اقامه برهان در باب وجود نفس و بحث درباره حقیقت روان یا نفس روح و ماهیت نفس از مباحث اساسی است. درحالی‌که در روانشناسی معاصر (روانشناسی تجربی) - که توسط ویلهلم وونت پایه‌گذاری شد - به پیروی از این پیش‌فرض معرفت‌شناختی کانتی که عقل بشر، تنها قادر به فهم و شناسایی نمودها (**phenomena**) و فیزیک اشیای خارجی است، نه بودها و متافیزیک آنها، بحث در باب چیستی و هستی نفس کنار نهاده شد و تنها به بررسی مطالعه علمی رفتار به عنوان موضوعی قابل مشاهده و اندازه‌گیری و یا حداکثر «فرآیندهای ذهنی» اکتفا گردید. در ادامه به برخی از مفاهیم پر تکرار در فصل‌های پیش رو می‌پردازیم.

حادث و قدیم

حادث در عرف به معنی «نو» و قدیم به معنی «کهنه» است. مقصود فلاسفه از حادث بودن یک مؤلفه این است که آن مؤلفه پیش از آن که موجود بشود، نبوده است؛ یعنی اول نبوده و بعداً موجود شده است. مقصود از قدیم بودن هم این است که، آن مؤلفه همیشه بوده و هیچ زمانی نبوده است که موجود نباشد. حادث یعنی چیزی که «نیستی‌اش بر هستی‌اش» تقدم داشته باشد (مانند انسان)، و قدیم عبارت است از موجودی که «نیستی مقدم بر هستی» برای او فرض نمی‌شود؛ به عبارتی همواره بوده، هست و خواهد بود (مانند خدا).

قوه و فعل

قوه عبارت است از استعداد یا آمادگی که در یک شی برای پذیرفتن صورت‌های (اشکال) گوناگون وجود دارد و **فعل** نیز پذیرش صورت یا تبلور و تجسم آن قوه در عمل است. مثلاً دانه‌ی گندم را در نظر بگیرید این دانه توانایی تبدیل شدن به یک خوشه گندم را دارد پس بالقوه یک خوشه‌ی گندم است. زمانی که آن را در خاک می‌کاریم نیز هنوز بالقوه خوشه‌ی گندم است تا وقتی که شرایط مساعد باشد رشد کند و از دل خاک بیرون بیاید در این زمان (بیرون آمدن از خاک) این دانه به صورت بالفعل خوشه گندم است. در واقع استعداد خود را بالفعل (آشکار) کرده است. قوه در سیر خود به سوی فعل از سه مرتبه یا مرحله عبور می‌کند که عبارتند از:

(۱) قوه مطلقه یا هیولانی

(۲) قوه ممکنه

(۳) قوه کامله یا ملکه

مثلاً قوه و استعداد موجود در کودک برای اینکه روزی او به نویسنده‌ای مبدل شود، از نوع قوه **مطلقه یا هیولانی** است. قوه **ممکنه**، هنگامی پدید می‌آید که همه آلات و وسایلی که برای انتقال به فعل، ضروری است، برای او حاصل شده باشد؛ مانند کودکی که قلم و دوات و حروف الفبا را می‌شناسد پس در مرحله **قوه کامله**، کودک برای انتقال به فعلیت هیچ کم ندارد و در این هنر به کمال رسیده است. کودک در این مرحله هر گاه قصد کند

می‌تواند بنویسد. این مرحله را **کمال قوه** نیز نام داده‌اند. کودک در مراتب سه گانه فوق بالقوه نویسنده است و هنگامی که مشغول نوشتن شد، بالفعل نویسنده می‌شود.

جوهر و عرض

جوهر در علوم فلسفه به معنی ذات است و در برخی متون با عنوان جوهره وجود یاد شده است.

جوهر جنس موجودی است که در بودن خود نیاز به هستی موجود دیگری ندارد مانند مقوله جسم. در مقابل آن **عرض** جنس موجودی است که در بودن خود نیازمند بودن موجود دیگری است مانند مقوله رنگ. در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی، جوهر به عنوان موجودی یاد می‌شود که قائم به خود است برخلاف عرض که به موجود دیگری نیازمند است. تفاوت مفهوم جوهر در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی آن است که در غرب جوهر و عرض از مقولات وجودند و در فلسفه اسلامی از مقولات ماهیت.

دانش تصویری و غیر تصویری

در منطق، علم را اینگونه معرفی می‌کنند: العلم، صور حاصله من الشیء عندالعقل (علم صورتی از شیء است که در نزد عقل حاصل می‌شود). در فلسفه، علم تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارد؛ علم یا تصور است یا تصدیق؛ و یا جزئی است یا کلی. چنانچه مشخص است منطق، سخن از علمی می‌گوید که در خودآگاه انسان، یعنی در نزد عقل او موجود است. از سوی دیگر مقصود منطق از تصور، تمامی صورتی است که در نزد عقل آدمی وجود دارد، اعم از اینکه آن تصور دارای صورت خیالی هست یا نه. یعنی مفهوم «تصور» علم منطق اعم از مفهوم «تصور» در روان‌شناسی است. در روان‌شناسی تصور عبارت است از مفهومی که دارای صورت خیالی در ذهن است، یعنی فرد می‌تواند آن را در مخیله خود حاضر کند و ویژگی‌های آن را مورد مشاهده خیال قرار دهد.

دانش تصویری دانشی است که دارای صورت‌های ذهنی مشخصی است و دانش‌های اکتسابی انسان به طور کل از نوع دانش‌های تصویری است. اما دانش **غریزی** از نوع دانش **غیر تصویری** است. اصل و اساس دانش غیرتصویری برای ما روشن نیست و به تعبیر قرآن نوعی **وحی** است. راه ورود ما به عالم دانش غریزی:

- محتوای قالبی این دانش

- استفاده از سمبل‌های به کار گرفته شده توسط انسان

یک دسته مهم از دانش‌های غیر تصویری انسان را کلیات تشکیل می‌دهند. کلیات فی نفسه دارای هیچگونه صورت خیالی نیستند. برخی فلاسفه به همین دلیل، منکر وجود کلیات شده‌اند. یکی از مهمترین دانش‌های جزئی و درعین حال غیر تصویری انسان، عبارت است از «خدا». دانش ما از خداوند به عنوان یکی از مهمترین عناصر ذهنی ما که تاکنون این دانش عمیق‌ترین تحولات را در تاریخ زندگی بشر ایجاد کرده است. از جمله دانش‌های غیرتصویری به شمار می‌آید.

دانش غریزی انسان وقتی در حیطه غرایز خاص بشری یعنی فطرت مطرح می‌شود، **دانش فطری** نام می‌گیرد. دانش فطری به ضرورت دانش غریزی، دانشی است غیر تصویری و برای تبدیل و تبادل، یا باید در قالبی تجربی ریخته شود و یا قالبی سمبولیک به خود بگیرد. دانش انسان از خداوند از جمله دانش‌های غریزی است که اصل آن‌ها غیر تصویری می‌باشد. دانش‌های عقلانی انسان نیز، یعنی قالب‌هایی که انسان برای عقل و تشخیص درست از نادرست به کار می‌گیرد، از جمله دانش‌های غیر تصویری است.

دانش غیرتصویری، اکتسابی نیستند، بلکه جنبه تذکر و یادآوری دارند و این دانش‌ها یا به کمک سمبل‌هایی به تخیل انسان درآمده و مورد تبادل بین انسان‌ها قرار می‌گیرند و یا در مواردی نیز خود به خود به نوعی تجلی پیدا کرده و جنبه معین به خود می‌گیرند. برای مثال، غریزه مادری در انسان با تولد کودک از طریق انجام وظایف اولیه مادری، جنبه معین به خود گرفته و به صورت تصویری در می‌آید.



فصل اول: انسان در قرآن

در اسلام و قرآن مبنای اصلی انسان‌شناسی جهان‌بینی و نوع نگرش آن‌ها به هستی است که در مفاهیم متعددی مورد ارزیابی قرار گرفته است. از جمله‌ی این مفاهیم می‌توان به نفس اشاره کرد. نفس در اصل به معنای ذات است.

نفس، در قرآن کریم، در معنای زیر آمده است:

- در قرآن ابتدا از نفس به معنای **جان یا حیات حیوانی** یاد می‌شود. **مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ** (برای نفس چیزی نیست مگر آن که بمیرد با اذن پروردگار)؛ **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ** (هر نفسی - هر حیاتی - مرگ را خواهد چشید). در این دو آیه، نفس هم‌ردیف جان است، که مرگ برایش پایان و غایت است.
- نفس به معنای **روان** یا نفس انسانی آمده است: **وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ** (و پند بده به آن نفس، آنچه کسب کند، بدان گرفتار می‌شود) - نفس ماهیت خویش را با مکتسبات می‌سازد- در این مورد نفس همان مجموعه‌ی حالات روانی است که خاصیت ادراکی، انفعالی و افعالی دارد و بر مبنای این سه خصوصیت خود را می‌سازد و شخصیت خود را شکل می‌دهد.
- سومین معنا، شامل نفس به معنای **شخصیت شکل یافته و متعادل** است: **لَا تَكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** (خدا هر کس را به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف می‌دهد). در این مرتبه نفسی (انسانی) مطرح است که خود را به مرتبه‌ای از تکامل رسانده است.
- گاهی نفس به معنای **وجدان نفسانی یا خودآگاهی** آمده: **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُم بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فَتَنَّهُ وَ آيِنَا تُرْجَعُونَ** (هر نفسی - جانی - در عالم رنج و سختی مرگ را می‌چشد و در سیر زندگی با خوبی و بدی آزمایش می‌شود و به سوی ما بازگشت می‌کند) و نیز: **عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَحْرَتْ** (هر نفسی می‌داند آنچه را که از پیش فرستاده شده است و آنچه را که از پس خواهد آمد). در این آیه هم نفس به معنای جان آمده است و همه به معنای عامل وجدان و شعور که نتیجتاً منش انسانی را بیان می‌کند.
- گاهی نفس به معنی **اصل ثابت انسانی و خودآگاهی** است: **وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمْنَاهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا** (قسم به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او بدکاری و پرهیزکاری الهام کرد). این آیه ناظر به روان انسان است که می‌تواند در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده و الهام گیرد و متکامل شود و یا به بدکاری روی آورد، خلاصه حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد.
- نفس به معنای **نفس حیوانی یا نفس تعالی نیافته** نیز آمده است: **مَا أَبْرَى نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنْ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ** (نفسم را تبرئه نمی‌کنم که نفس، آمر به بدی است مگر خدا بر من رحمت آورد، بدرستی که پروردگار من آمرزنده و مهربان است). نفس امّاره، انسان را به کارهای زشت وای می‌دارد.
- نفس به معنای **حقیقت وجود آدمی** نیز آمده است: **وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ** (همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد).
- به نفس در معنای **روح** نیز اشاره شده است: **خَرَجَتْ نَفْسُهُ** (روحش خارج شد). **اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا** (خداوند در زمان مرگ ارواح را قبض روح می‌کند).
- نفس به معنای ذات الهی نیز به کار گرفته شده است: و یحذرکم الله نفسه (خداوند شما را از خویشتن خودش برحذر می‌دارد) و در آیه‌ی **وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي** (و تو را برای خویش برگزیدم).

- نفس به معنای **اصل و بن انسانی** نیز به کار گرفته شده است: **هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ** (خداوند شما را از یک اصل آفریده است).
- نفس در معنای **عقوبت الهی** نیز آمده است: **و يحذرکم الله نفسه** (خداوند شما را از خویشتن خودش برحذر می‌دارد). در این آیه نفس در معنای ذات الهی اما با تاکید لفظی بر عقوبت الهی است.
- نفس در معنای **علم** در آیه‌ی **إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ** (چنانچه من این را گفته بودم تو می‌دانستی، که تو از اسرار من آگاهی و من از سرّ تو آگاه نیستم). همانطور که واضح است در اینجا نفس به معنای علم نیست و آیه‌ی دیگری نیز یافت نشد که در آن نفس در معنای علم گرفته شده باشد اما در چندین سوال کنکور تصور شده است که نفس در این معنا نیز به کار رفته است و ما نیز بالاجبار می‌پذیریم.

چند نکته‌ی متفرقه در مورد نفس

- توجه به چند معنایی که از نفس در قرآن کریم آمده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نفس انسانی از سویی با فطرت و ذات خویش در ارتباط است و از سویی دیگر با طبیعت پیرامون یا محیط و مکتسبات آن، و بدین ترتیب نفس شکل می‌گیرد.
- در کتاب **شفاء، ابن سینا** سراسر از جان و نفس و ماهیت آن بحث می‌کند و روشن می‌دارد که حقیقت آن چیست.
- روان‌شناسی امروز، نمودهای رفتاری و پدیده‌های روانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بدین ترتیب در گذشته، علم‌النفس پیوسته فصلی از فصول فلسفه یا حکمت به شمار می‌رفت و هر حکیمی آن را تابع سیستم فلسفی خود قرار می‌داد. فیلسوف در تحقیقات مربوط به **روان** غالباً وجود نفس را به عنوان جوهری مستقل از بدن، محرز و مسلم می‌پنداشت و برای آن قوایی فرض می‌کرد. در روان‌شناسی جدید، درست عکس این عمل انجام می‌شود؛ یعنی موضوع اصلی بحث در حالات روانی یا به تعبیر قدما، کیفیات نفسانی است.
- **بوعلی سینا** در برخی نوشته‌ها و آثار خود به نفس و بدن و تأثیر متقابل آنها اشاره کرده است؛ وی همچنین در تحقیقاتش غالباً طریقه مشاهده و تجربه را به کار می‌برده است. یعنی روش کار او از امور محسوس و مشهود آغاز می‌شد و به تدریج به امور نامشهود (انتزاعی) و معقول می‌رسید. پاره‌ای از روش‌های متفرع از روش مشاهده و تجربه مانند روش روان‌شناسی فیزیولوژیک و روش تحلیل روانی و جز آن که در این اواخر معمول گردیده است، نیز از نظر دقیق ابن‌سینا دور نبوده و احتمالاً مورد استفاده وی واقع می‌شده است.
- بر اساس آیات قرآن، انسان در موقعیت مرگ و خواب فاقد نفس است.

روح چیست؟

در قرآن کریم ۲۴ بار کلمه‌ی روح و مشتقات آن تکرار شده است و از مجموع آیات چنین نتیجه می‌شود که روح حقیقت وجودی است که هیچ گاه از بین نمی‌رود و به عنوان موجودی مجرد از ماده (غیر مادی) و مستقل، اما در عین حال مرتبط با عالم جسمانی و مادی است. آیاتی که در قرآن کریم در مورد روح ذکر کرده‌اند، به معنای مختلفی به کار رفته‌اند روح القدس و روح الامین این مطلب را از سوی خدا آورد و مردم می‌پرسیدند که این روح چیست؟ در جواب گفته شد که روح امر ربوبی است. شاید مراد از روح وحی باشد و از حضرت خواسته‌اند که حقیقت وحی را بیان کند و شاید روح انسانی مورد نظر باشد.»

معانی قلب

در قرآن کریم قلب به معنای پاره گوشت به کار نرفته بلکه کانون ادراک و تعقل، انفعال و احساس و... است. قلب به معنای دگرگون شدن است و پیوسته در حال تغییر بودن است. قلب بخش اصلی و مرکزی شخصیت انسان، و دارای کارکردهای معرفتی عاطفی و ارادی است.

۱) قلب به معنای **کانون فطرت سلیم**: «یوم لا ینفع مال و البنون الا من اتى الله بقلب سلیم» (روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌رسانند، مگر آنکه خدای را با دلی سالم و روانی پاک ملاقات کند).

۲) قلب به مفهوم **کانون آلودگی‌ها**: «و لا تکتبوا الشهاده و من یکتبها فانه اثم قلبه» (شهادت را کتیب نکنید و اگر کسی آن را کتیب کند، قلبش گناهکار است).

۳) قلب به معنای **کانون تفکر و استدلال و ایمان**: «و من یؤمن بالله یهد قلبه» (و آنکه به خداوند ایمان دارد، پروردگار دل او را رهبری می‌کند؛ «...فتکون لهم قلوب یعقلون بها...» (...تا با قلب‌هایشان تعقل کنند...))

۴) قلب به عنوان **کانون عواطف خانوادگی**: «و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه و رحمہ» (در دل‌های کسانی که او را پیروی کردند، مهر و رحمت قرار دادیم).

نکته: یکی از آسیب‌های قلب ختم به معنای بسته شدن و مهر و موم شدن است و با واژه‌ی طبع هم معنی است. از دیگر آسیب‌های که به قلب نسبت داده شده؛ عمی به معنای کوری، و صمی به معنای کری است.

اراده و اختیار

یکی از مفاهیم مهم و در عین حال جنجال برانگیز در انسان‌شناسی و علم النفس مفهوم اراده و اختیار است. از گذشته‌های دور همواره بین فلاسفه و مردم این بحث که «آیا انسان مجبور و یا دارای اختیار است» مطرح بوده است. بنابر فرمایش امام صادق (ع) انسان بین جبر و اختیار قرار دارد همان طور که فرمود: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین». در توضیح این سخن باید گفت که قوانین در زندگی انسان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند؛ انسان هیچگونه اختیاری نسبت به این قوانین ثابت از خود نداشته و جبر بر او تسلط دارد اما در مورد قوانین متغیر انسان دارای اختیار می‌باشد.

دلایل منکرین اختیار و پاسخ به آنها

۱. مشیت الهی

گروهی به مشیت مطلقه‌ی خدا متوسل شده و بیان داشته‌اند که خواست خدا بر خواست انسان غلبه و تسلط دارد و انسان از خود دارای اختیار نیست. در پاسخ به این افراد می‌توان از حدیث قدسی مدد جست که در آن بیان می‌شود «یا ابن آدم بمشیتی کنت انت الدی تشا لفسک ما تشا» (ای انسان به سبب خواست من است که تو می‌توانی هر آنچه را می‌خواهی برای خود بخواهی).

۲. علم خدا

منکرین اختیار می‌گویند که خداوند بر همه امور عالم است و از اعمال انسان آگاه است و انسان قادر نیست که به مخالفت با علم خداوند بپردازد، از این رو اختیاری ندارد. در پاسخ به آنها گفته می‌شود که انسان به علم خدا آگاهی نداشته و در نتیجه با علم خود عمل می‌کند و هیچ گونه جبری بر او هموار نمی‌شود. اگر انسان به علم خدا آگاهی داشت چنین اشکالی وارد بود، حال آنکه چنین نیست، یعنی انسان به علم خدا احاطه ندارد.

۳. ملائکه و شیاطین

قرآن سلطه‌ی نیروهای آسمانی و زمینی را نیز بر انسان منتفی دانسته، در حالی که منکرین اختیار بر این باورند که ملائکه و شیاطین انسان را به اجبار می‌کشاند و اختیار انسان را سلب می‌کنند. در پاسخ به منکرین اختیار گفته می‌شود، ملائکه بر انسان به صورت **الهام نه به صورت الزام** اثر می‌گذارند؛ همان طور که شیاطین نیز می‌توانند انسان را وسوسه کنند و نمی‌توانند انسان را به اجبار گمراه نمایند. در قرآن کریم از قول شیطان آمده است: «و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی». یعنی (من شیطان) بر شما هیچگونه تسلطی نداشتم جز اینکه شما را فراخواندم پس شما من را پذیرفتید و اجابت کردید).

۴. نظام حکومتی

برخی از منکرین می‌گویند که حکومت‌ها و حاکمان اختیار را از انسان سلب می‌کنند و جبر را بر انسان مسلط می‌کنند، در واقع قدرت و زور قدرتمندان اختیار را از انسان سلب می‌کنند. خداوند در پاسخ به این افراد در قرآن می‌فرماید: «الذین تتوفی هم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعہ فتهاجروا فیها»، «ملائکه به آن‌ها که به خویش ستم روا داشتند گویند: چگونه زیستید؟ گفتند ما مستضعفین در زمین بودیم، گفتند: آیا زمین خدا گسترده نبود که در آن هجرت کنید».

۵. فرهنگ اجتماعی

برخی منکرین اختیار گویند که آداب و رسوم، سنت‌های اجتماعی و آیین پیشینیان انسان را به اجبار می‌کشاند و آدمی نمی‌تواند از روی میل و اختیار عمل کند. در پاسخ به آن‌ها گفته شد که انسان‌ها خود آداب و رسوم را می‌سازند و از میان روش‌های مختلف آن‌هایی را بر می‌گزینند که به مصلحت خود نزدیک می‌دانند.

۶. اشخاص برجسته اجتماعی

برخی منکرین می‌گویند که بزرگان هر قوم و قبیله، افراد آن قوم را به زیر سلطه‌ی خویش می‌کشاند و قدرت اختیار را از آن‌ها سلب می‌کنند.

۷. نظام خانواده

برخی از منکرین می‌گویند انسان در خانواده خود اختیاری ندارد. زنان تابع مردان هستند و اختیار از آن‌ها سلب شده است. در پاسخ به آن‌ها گفته می‌شود: «ضرب الله

مثلا للذین کفروا امرات نوح و امرات لوط کانتا تحت عبدین من عبدنا الصالحین فختتا هما... و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله...» «خداوند برای کسانی که کافر شدند زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند زیر نظر دو نفر از بندگان صالح ما بودند پس به آن‌ها خیانت کردند... و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند زن فرعون را مثال می‌زند هنگامی که گفت پروردگارا برای من خانه‌ای در بهشت قرار ده، مرا از فرعون و عملش نجات ده...»

۸. توارث

برخی از فرقه‌های دینی که معتقد به اختیار نیستند چنین اظهار داشته‌اند که عوامل ارثی باعث سلب اختیار آدمی بوده و فرزندان مجبورند راه پدران خود را دنبال نمایند.

محدودیت‌های زندگی انسان

۱. محدودیت‌هایی که در زمینه خلقت انسان معرفی می‌شوند. مثل آن که انسان ضعیف، آزمند و حریص، شتابگر و عجول خلق شده است. این محدودیت‌ها نقطه‌ی حرکت انسان به سوی کمال شمرده شده‌اند. قرآن کریم به دلیل این محدودیت‌ها انسان را نکوهش نمی‌کند.
۲. محدودیت‌هایی که جنبه‌ی محیطی داشته و گاهی منجر به پیدایش محدودیت‌های دیگری خواهد شد. این محدودیت‌ها مانند گروه بالا زمینه‌ای و ذاتی نیستند اما از زمینه‌ی خلقت انسان ناشی می‌شوند. در قرآن کریم طغیان علیه خدا و حق، محدودیتی است که هر گاه در انسان حالت استغنا (بی‌نیازی) ایجاد شود، به وجود می‌آید. مورد دیگری از محدودیت‌های محیطی برخورد با حوادث ناگوار و چگونگی نگرش او نسبت به دست یافتن به خیر و خوبی‌هاست. قرآن کریم در توصیف این افراد می‌فرماید «ان الانسان... اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر منوعا» (انسان... اگر بدی به او برسد جزع و فرع می‌کند، بی‌تاب و نالان می‌شود و هر گاه خیری به او می‌رسد از رساندن خیر به دیگران امتناع می‌کند و انحصار طلب می‌گردد). این محدودیت‌ها نیز به خودی خود مورد نکوهش قرار نگرفته‌اند برای مثال استغنا یا در طلب بی‌نیازی فی نفسه بد نیست بلکه اگر در نتیجه آن طغیان‌گری اتفاق بیفتد قابل نکوهش خواهد بود.

۳. محدودیت‌هایی که جنبه ارادی داشته و به نگرش انسان به حوادث ناگوار و چگونگی نگرش او نسبت به دست یافتن به خیر و خوبی‌ها مستقیماً اثر می‌گذارد. در این زمینه می‌توان به مکر و فریب و نیرنگ، حيله گری، دروغ و دروغ‌گویی و به ویژه دروغ بستن به خدا اشاره کرد. این محدودیت‌ها مورد نکوهش قرار گرفته و مذمت شده‌اند زیرا در این حالت انسان خود به ضعف‌ها، کاستی‌ها و محدودیت‌ها تن می‌دهد و برای خروج از آن‌ها اقدام نمی‌کند.

جدول جمع‌بندی معنای نفس و کلیدواژه‌ی آیات مرتبط

نفس در معنای...	کلید واژه‌ها و نکات مهم مرتبط
۱. جان یا حیات حیوانی	واژه‌های موت، تموت، اموت در آیات
۲. روان یا نفس انسانی	چیزهایی که نفس اکتساب می‌کند. عبارت بما کسبت در آیات
۳. انسان شکل یافته و متعادل	لا تکلف نفسا الا وسعها
۴. وجدان نفسانی یا خودآگاهی	انتخاب بین دو گانه‌ی خوبی و بدی، نبلوکم بالشر و الخیر، ما قدّمت و اخرت
۵. نفس حیاتی یا حیوانی، نفس تعالی نیافته، نفس اماره، تمایلات نفسانی	لاماره بالسوء
۶. اصل ثابت انسانی و خودآگاهی	سوی، فالهمها فجورها و تقویها، تسویه
۷. حقیقت وجود آدمی	فانسیهم انفسهم
۸. روح	واژه یتوفی به معنای روح اشاره دارد
۹. ذات الهی	یحذرکم الله نفسه، اصطفتیک لنفسی
۱۰. اصل و بن انسانی	نفس واحده
۱۱. عقوبت الهی	یحذرکم الله نفسه (اشاره به ذات الهی با تاکید لفظی بر عقوبت الهی)
۱۲. علم	تعلم ما فی نفسی

سوالات طبقه‌بندی شده فصل اول

- ۱- معنی نفس در آیه "و يحذرکم الله نفسه" چیست؟ (کنکور ۸۷)
- (۱) هوای نفس (۲) ذات الهی (۳) شخص آدمی (۴) انسان و مفهوم کلی
- ۲- کدام یک از مفاهیم در قرآن به معنای نفس آمده است؟ (کنکور ۸۷)
- (۱) دم و بازدم (۲) عقوبت (۳) گمراهی (۴) میل
- ۳- نفس به معنی روح در کدام یک از آیات قرآن آمده است؟ (کنکور ۸۸)
- (۱) و اصطفیتک لنفسی (۲) هو الذی خلقکم من نفس واحده (۳) الله یتوفی الانفس حین موتها (۴) یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک
- ۴- در آیه "لا تکلف نفس الا وسعها" مفهوم نفس به کدام یک از معانی زیر آمده است؟ (کنکور ۸۸)
- (۱) انسان (۲) نفس نباتی (۳) نفس حیوانی (۴) شخص خاص
- ۵- در قرآن کریم یکی از آسیب‌های قلب ختم نامیده شده و این آسیب به لحاظ معنی به کدام یک از آسیب‌ها نزدیک‌تر است؟ (کنکور ۸۸)
- (۱) عمی (۲) طبع (۳) غلف (۴) مرض
- ۶- عمی در قرآن به چه معنی است؟ (کنکور ۸۸)
- (۱) کوری چشم (۲) کوری قلب (۳) فقدان عقل (۴) فقدان قلب
- ۷- آیه «لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» به کدام مقوله از مقوله‌های قلب اشاره دارد؟ (کنکور ۸۹)
- (۱) ادراک و عمل (۲) انفعال و احساس (۳) ادراک و تعقل (۴) عمل و فعل
- ۸- از دیدگاه قرآن کریم انسان با کدام ضعف‌ها خلق شده است؟ (کنکور ۸۹)
- (۱) ضعف - شتاب - حرص و آز (۲) استغنا و طغیانگری - جزع و فزع کردن (۳) شتاب و فریب کاری و استغنا (۴) دروغ به خدا بستن و مکر و فریب
- ۹- کوری و کوری در قرآن کریم ناظر به کدام بخش از وجود انسان است؟ (کنکور ۸۹)
- (۱) بدن (۲) وهم (۳) عقل (۴) قلب
- ۱۰- آیه شریفه "و نفس و ما سویها" ناظر بر چه چیزی است؟ (کنکور ۸۹)
- (۱) روان انسان که حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد. (۲) جان و حیات حیوانی که حالت اکتسابی جذب خیر و شر را دارد. (۳) جان و حیات حیوانی که خاصیت ادراکی انفعالی و افعالی دارد. (۴) روان انسان که در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده است.
- ۱۱- در آیه «و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا منهم تقاه و يحذرکم الله نفسه» نفس به چه معنا است؟
- (۱) علم (۲) روح یا جان (۳) عقوبت (۴) انسان
- ۱۲- در قرآن کریم نفس در این معنا به کار نرفته است؟ (کنکور ۹۰)
- (۱) امیال (۲) روح (۳) انسان (۴) علم
- ۱۳- با توجه به معنی آیه "ولا تکنوا کلذین نسوا الله فانسیمهم انفسهم" واژه نفس به چه معنی است؟ (کنکور ۹۲)
- (۱) شخص (۲) ذات الهی (۳) درون انسان (۴) حقیقت وجود آدمی